



از ادامه تعطیلی سالن‌های سینما و تئاتر تا کسرت آنلاین همایون شجریان

**عید آمد اما روزه سکوت هنر ادامه دارد**

شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۹\_ ۲۹ رمضان ۱۴۴۱\_ ۲۳ می ۲۰۲۰

# شهدا

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

قرار سیدن عید سعید فطر بر همه مسلمانان مبارک باد



نقدی بر سخنان دکتر محمدعلی موحد به بهانه زادروزش؛

**زبان مادری و زبان ملی**

سال ششم \_ شماره ۱۴۲۵ \_ صفحه ۸ \_ قیمت ۲۰۰۰ تومان

ترامپ از پیمان آسمان‌های باز خارج شد

## آسمان، پهنه تقابل جدید آمریکا و روسیه

همدلی از تصویب آیین‌نامه اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان مادران ایرانی که همسری خارجی دارند، گزارش می‌دهد

### پایان یک بی‌هویتی مادرانه

«همدلی» از وضعیت قیمت‌ها در مهم‌ترین بازارهای پایتخت طی ۲ ماه ابتدایی سال جاری گزارش می‌دهد

### بی‌قراری قیمت‌ها و وعده بازگشت ثبات

گزارش همدلی از نگرانی شیوع مجدد کرونا در تعطیلات خرداد ماه

### عید فطر؛ تعطیل کاری کرونا در جاده‌ها

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان زنده و تلویزیونی به‌مناسبت روز جهانی قدس:

# ادعای یهودستیزی ایران بی‌اساس است



**همدلی** | حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی روز جمعه در سخنانی به مناسبت روز جهانی قدس با اشاره به گشوده شدن فصل جدیدی در مبارزه برای فلسطین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور جبهه مقاومت و تغییر موازنه قدرت به نفع مبارزان، هفت توصیه مهم را در خصوص ادامه جهاد بزرگ و مقدس کنونی بیان و تأکید کردند: اصلی‌ترین توصیه، تداوم مبارزه و گسترش عرصه جهاد در همه سرزمین‌های فلسطینی است و بی‌گمان ویروس صهیونیسم دیری نمی‌پایسد و با همت و ایمان و غیرت جوانان، از این

منطقه ریشه‌کن و ازاله خواهد شد. رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سخنانشان با تبریک پیشاپیش عید سعید فطر به همه مسلمانان جهان، تعیین روز قدس را ابتکار هوشمندانه امام خمینی و حلقه وصل مسلمانان برای هم‌صدایی درباره قدس شریف و فلسطین مظلوم خواندند: «با اشاره به استقبال ملتها از روز قدس گفتند: سیاست عمده استکبار و صهیونیسم، کمربند کردن مسئله فلسطین در ذهنیت جوامع مسلمان و به سمت فراموشی راندن آن است، اما فوری‌ترین وظیفه، مبارزه با این حیثیات است...»

### ار تقا به سطح سران به سبک احمدی نژاد

کمتر شناخته شده‌های عرصه سیاسی، فرصت را برای کسب کرسی ریاست مجلس مختمن شمرده‌اند



### آنان که آزاد کردند و آنان که آباد نکردند خرمشهر، دور از آبادانی

سرمقاله

**دوم خرداد و دیگی که برای «ما» نجوشد**



فضل‌الله یاری سردبیر

دوم خرداد اگرچه در تاریخ سیاسی معاصر شهد نمود تغییر از راه صندوق رای، اما به همان مقدار نیز به مقطعی برای ایستادگی در برابر تغییر- به واسطه در اختیار گرفتن گلوگاههایی دور از دسترس رای مردم- تبدیل شد. دوم خرداد با رای خیره‌کننده مردم به کسی رخ داد که دورت‌ترین فاصله را با کلون‌های ثروت و قدرت و رسانه داشت.

از فردای دوم خرداد اما آن‌که بیشتر از طرف مقابل برنامه داشت، جانب شکست خورده انتخابات بود. اگرچه نامزد شکست خورده نجابت به حراج داد و پیروزی طرف مقابل را پذیرفت، اما حامیان او نتوانستند که در این نجابت با او همراه باشند.

کلون‌های قدرت راه خود را از او جدا کردند و از آن روز این مفهوم مهم در سیاست ایران نهاده شد که «صندوق رای همان دیگی است که اگر برای ما نجوشد، همان بهتر که نجوشد». از فردای روز دوم خرداد، شکست خوردگان همه عوامل خود در لایه‌های نظام را فراخواندند و به آنان دلداری دادند که مبدا نتیجه معرکه را بپذیرند و گفتند درست است که آنها عده دارند و نفرات و رای، ما هم عده داریم و تجهیزات و لجستیک و البته گلوگاههایی که راه برای مردم بندیدیم. و این چنین بود که سنتی در بخشی از جمهوری اسلامی شکل گرفت که رای یک نماد است برای «جمهوری» و نماد هم که نباید حتما کارکرد و کاربری داشته باشد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت ۱

**بهارستان یازدهم؛ محفل امید یا مجلس بیم؟**



محسن خرامین روزنامه‌نگار

در یکی از سکس‌های پایانی فیلم «وی مثل وندتا» ایوبی یکی از کاراکترهای فیلم خطاب به بازرس فیچینگ می‌گوید: «ما پارلمان نمی‌خواهیم، ما امید می‌خواهیم». پارلمان و منتخبان مردم در هر کشوری تبلور بخش‌هایی از رویاها و آرزوهای مردمی هستند که پای صندوق‌های رای حاضر می‌شوند و آرای خود را به نام کسانی به صندوق می‌ریزند. مجلس دهم و قبل‌تر از آن دولت یازدهم با شعار و رویای «امید» میلیون‌ها ایرانی شکل گرفته بود، اما آنچه این روزها از این دولت به عنوان میراث به جا مانده است، چیزی جز نوعی یاس و ناامیدی نیست. مجلس دهم در ۷ خرداد جای خود را به مجلس یازدهم با ترکیبی آمالا متفاوت و تغییرات بسیار و نمایندگان جدید خواهد داد. اعضای «لیست‌امید» اکثریت مجلس دهم نبودند؛ اما هر تعداد که بودند می‌توانستند منشا اتفاقاتی حتی جزئی به نفع مردم باشند که در نهایت این گونه نشد و حضور تعداد انگشت‌شمار نماینده پیگیری و فعال همچون پروانه سلحشوری، علی مطهری، محمود صادقی، بهرام پارسایی و... گاه و بیگاه مجلس را تنها به راس برخی اخبار و گزارش‌ها بر می‌گرداند، اما در روند کلی تحولات جامعه و مجلس تأثیری نداشت. از بیرون مجلس منتقدان و مخالفان از همان روز ۷ خرداد ۹۵ به مقابله با آن رفتند و خیلی زود عنوان «ضعیف‌ترین مجلس تاریخ» را به آن اطلاق کردند تا این عنوان بر پیشانی مجلس دهم بیفتد. اینکه چنین ادعایی تا چه اندازه به واقعیت نزدیک است، محل بحث و مناقشه بسیار است، ولی با فرض پذیرفتن عدم موفقیت مجلس یازدهم از این موضوع را در بیرون مجلس و مسائلی که منجر به شکل‌گیری مجلس دهم و کنترل و اعمال دخالت از بیرون بر آن می‌شد، جست‌وجو کرد. مهم‌تر و مقدم بر این سوال که آیا مجلس دهم ضعیف یا ضعیف‌ترین بوده است، این سوال مهم و اساسی در ذهن وجود دارد که آیا اساساً نهاد پارلمان در ایران امروز قدرت و ظرفیتی برای حضور و تأثیرگذاری در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارد یا خیر؟ با پایان عمر چهار ساله مجلس دهم و در آستانه شروع به کار مجلس یازدهم، مخالفان مجلس قبلی با هیجان و شور فراوان در استقبال آن نشستند و این تصور را برای بخش‌هایی از جامعه پدید آوردند که گویی قرار است مجلس واقعا به «اس امور» برگردد. اهل پیش‌گویی و غیب‌نسیتم که از حالا دریدبیشته ۱۴۰۲ را به تصویر بکشیم، اما با ارجاع به برخی اتفاقات و نشانه‌های توجان چهار سال پیش‌رو و لحظه تحویل ساختمان بهارستان به نمایندگان مجلس دوازدهم ر تحلیل و ارزیابی کرد. نهاد پارلمان مدت‌هاست از کارکرد و اثرگذاری تهی شده است و تنها قابلیتی که دارد ایجاد یک کرسی برای رئیس مجلس و حضور رئیس در تصمیم‌گیری‌های بالاتر است که البته به تناسب ضعف‌تر شدن مجلس از تأثیرگذاری وی نیز کاسته شده است. علاوه بر سایه سنگین و همیشگی شورای نگهبان بر سر هر تصمیم و رفتار نمایندگان و مصوبات آنها که در حال افزایش است، در سال‌های اخیر شاهد اختیاریخی بیشتر به مجمع تشخیص مصلحت نظام و اعمال نظر این مجمع بر تصمیمات مجلس یا حتی اتخاذ تصمیمات مستقل از سوی آن بوده‌ایم که عملا مجلس را به زیر سایه خود برده است. هم چنین تشکیل شورای سران سه قوه و تصمیمات این شورا بدون کوچک‌ترین هماهنگی با نمایندگان مجلس که معمولا مربوط به یک وضعیت استثنایی در کشور است، عملا میدان و مجال مانوری برای نمایندگان و مجلس باقی نگذاشته است. در کنار این موارد باید وجود نهادهای قدرتمند و غیر پاسخگو به مجلس را نیز اضافه کرد که مجلسی‌ها و دولت‌ها‌ها جز تماشا و هم‌راهی با این نهادها توان هیچ نظارت و تحقیقی را ندارند. در کنار این مشکلات ساختاری و از قبل موجود، نگاهی به مجلس جدید و ترکیب آن واقعیات دیگری را خاصه در مورد مجلس آینده روشن می‌کند. نکته اول در مورد مجلس آینده آن است که بسیاری از این منتخبین در یک فضای کمتر رقابتی و با مشارکت پایین و درغیاب رقبای قدرتمند راهی بهارستان شده‌اند و این مسئله بر عملکرد و اثرگذاری نمایندگان تأثیر مستقیم خواهد داشت. نگاهی به سوابق، تحصیلات و تخصص منتخبین نیز بر امیدواری‌ها در نه تنها نمی‌افزاید که هیچ نشانه قوی در این موارد دیده نمی‌شود. به همین علت در این مجلس نباید انتظار ظهور همان اندک چهره‌های فعال مجلس دهم را فرغ از نگرش سیاسی را نیز داشت. این مجلس از مدت‌ها قبل با تمرکز بر شعار انقلابی‌گری و جوان بودن پای‌های خود را ریخته بود و امروز که به یک چهارچوب مشخص رسیده است، نشانه‌های کمی از شعارها و اهداف قبلی خود بروز می‌دهد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت ۲

**نظام مناسب از دیدگاه نظام‌الملك در ایران**



علی توسلی حقوق‌دان و فعال مدنی

خواجه نظام‌الملك کتابی نوشت به‌نام «سیاست‌نامه» فصلی از این کتاب را به «بین شغل دادن» و نظام شغل دادن را به حاکمان جامعه آموزش دهد. در فصل چهل و یک کتابش نوشته است: «پادشاهان و وزیران هوشیار، به همه روزگار، هرگز دو شغل، یک مرد را نفرمودند و یک شغل، دو مرد را، تا کارهای ایشان، به‌نظام و با رونق بودی، از بهر آنکه چون دو شغل، یک مرد را فرمایند، همیشه از این دو شغل، یکی بر خلل باشد و با تقصیر. چون نیک نگاه کنی، هر آن کسی که او، دو شغل دارد، همواره هر دو شغل بر خلل باشد و او مقصر، ملامت زده، مُشْتَکِی و نرجودل. هرگاه دو مرد را، یک شغل فرمایند، آن، بدین افْتُکَد و این، بدان، همیشه آن کار، ناگره ماند. مثل زده‌اند در این معنی، که: «خانه به دو کنابو ناژفته بُوَد و به دو کدخدای ویران» چون، هر کدام تقصیر بر دیگری اندازد. امروز مرد هست، که به‌هیچ کفایتی، ده شغل دارد و مردان شایسته و جَلَد و مُتَمَدد هست، که در خانه‌ها، مُعْظَل نشستند و هیچ کس را، اندیشه و تمیز آن نمی‌باشد که چرا باید مجهولی، بی‌کفایتی، بی‌اصلی، بی‌فصلی، چندین شغل دارد و معرفی، اصلی، معتمدی، یک شغل ندارد، خاصه کسانی که خدمات پسندیده کرده و شایستگی نهمه».

به روایتی، در ایران امروز هم، از ۸۰ میلیون ایرانی، ۱۴ میلیون نفر شغل دارند. تعداد اندکی کثیرال‌شغلمانند و اکثریتی بی‌شغل. مردان فلسطین را و توتو کرده علاوه بر ارجند، ناکارآمدی از مدیریت توزیع عادلانه تـسـاجایی که نماینده جوانش، به جعل کارنامه محکوم و از نمایندگی مجلس محروم، و وزیر کار دانش، دکترایش دیدیم.

چه خرمدندان معتدل مزاجی کی، که به جهت بی‌تمیزی ما در فراموشگاه زمان بايگانی شده‌اند و چه بی‌خردان خرد اندیشی که خرابی ملک را به برانغان آوردند. ناکارآمدی از مدیریت توزیع عادلانه شغل و منصب به‌جایی رسید که مجلس ایران، قانون ممنوعیت تصدی «بیش از یک شغل» را تصویب نمود؛ «ماه واحده؛ با توجه به اصل ۱۴۱ قانون اساسی هر شخص می‌تواند تنها یک شغل دولتی را عهده‌دار شود». با وجود این همه نهادهای امنیتی، نظارتی، گزینشی و حراستی در کشور، ما، بازم، نظام شغل و منصب‌بخشی، ناکار آمد و شکست خورده به‌نظر می‌رسد. نمونه ناکارآمدی مدیریت منصب‌بخشی به اشخاص، آن است که بزرگترین عناوین منصب را، به اشخاص دادیم و بعد از پایان منصبشان، بزرگ‌ترین عناوین اتهام را به آنها نسبت دادیم. نتیجه‌گیری به‌نظر شما، این همه کاستی و نارسائی، قصور و افتور، فقر وفاقه، عصیان و نقصان، زراندوزی و مردم‌سوزی، قانون‌گریزی و جامعه‌ستیزی، انحراف و اجحاف، تغافل و تجاهل، لاف زدن و گزاف گفتن، آبی بر اضطراری نفاشدن، جامی به تشنه کامی نچشاندن، نانی به خسته جانی نرساندن، و البته؛ شیوع کرونای فساد سیستماتیک، که قوه محترم قضاییه به جهاد با آن قیام نموده، نمی‌تواند زاییده نظام ناکار آمد منصب‌بخشی و شیوه‌گزینش اشتباه مدیران مملکت باشد؟

یادداشت ۳

**فریاد دوباره انتفاضه در سرزمین زیتون**



محسن رفیق روزنامه‌نگار

قدس اولین قبله‌گاه مسلمانان، در حالی ماه رمضان دیگری را پشت سر می‌گذارد که هنوز در اشغال است. روز جهانی قدس اسما، همزمان با هفتاد و دومین سالگرد اشغال فلسطین برگزار شد. اگر چه راهپیمایی روز قدس اسمال به دلیل محدودیت‌های کرونایی برگزار نشده اما با این وجود مسائل مرتبط با فلسطین با حساسیت‌های بیشتری در فضای مجازی دنبال شد. در دو سال گذشته، فشار علیه مردم فلسطین افزایش بیشتری یافت و همکاری جدید رژیم صهیونیستی با آمریکا در جهت ایجاد محدودیت‌های جدید برای فلسطینیان، از طرح معامله قرن گرفته تا تصمیم اسرائیل برای تصرف مناطق جدیدی در کرانه باختری، باعث شده تا دوباره نگاه‌ها، بیش از گذشته به سرزمین زیتون، دوخته شود. به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل، انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس، بستن دفاتر سفارت واشنگتن، توقف کمک‌های مالی، حذف پرونده آوارگان فلسطینی و محدودیت‌های بیشمار دیگر نمونه‌هایی از افزایش دامنه این فشارها بوده است که در نتیجه پیوندهای جدید اسرائیل و آمریکا بر علیه فلسطینیان، عملیاتی شده است. اگر چه از زمان اعلام موجودیت رژیم اسرائیل، در برخی موارد، بیانیه و قطعنامه‌هایی علیه فعالیت‌های این رژیم، در شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به تصویب رسیده است اما صهیونیست‌ها با استفاده از حمایت‌های آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی همواره از متعهد بودن به این تصمیمات شانه خالی کرده و نسبت به آن بی‌اعتنا بوده‌اند. این در حالی است که آمریکا نیز بارها پیش‌نویس قطعنامه‌های پیشنهادی در مورد رفتار صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین را وتو کرده است. همین حمایت‌ها باعث شده تا بیش از نیم قرن، تجاوزات رژیم اسرائیل به شکلی سازمان یافته و در مقابل سکوت نهادهای بین‌المللی در فلسطین ادامه داشته باشد که این خود زمینه‌های لازم برای دخالت رژیم صهیونیستی در فرآیند نامتی منطقه و حمایت از تروریست‌های تکفیری را نیز فراهم کرده است. در همین زمینه طرح معامله قرن با این هدف انجام گرفت که علاوه بر ارجند، صرفاً سرزمین فلسطینیان، تضمین حاکمیت اسرائیل بر سرزمین‌های اشغالی و خلع سلاح حماس را نیز عملیاتی کند. جدا از طرح معامله قرن، که خود واکنش‌های زیادی در عرصه جهانی به دنبال داشت، با اعلام نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مبنی بر تصمیم الحاق بخش‌هایی از شهرک‌های کرانه باختری رود اردن به سرزمین‌های اشغالی، دامنه مخالفت با اقدامات توسعه‌طلبانه این رژیم، ایجاد جدیدی به خود گرفته است. تا جایی که بسیاری از کشورهای متحد این رژیم، تهدید به تغییر سطح روابط خود با این رژیم کرده‌اند. این در حالی است که ایران نیز به همراه بسیاری از کشورهای اسلامی، کشورهای اروپایی و همچنین گروه‌های آزادی‌خواه و گروه‌های فلسطینی، این سیاست توسعه‌طلبانه را محکوم کردند و آن را به نوعی عدم تمکین از اصول حقوق بین‌الملل دانستند. اگر چه به نظر می‌رسد هه‌گوانه که معامله قرن با محکومیت جامعه جهانی روبه‌رو شد و اجرای آن نیز به نهایت نرسید، این تصمیم اخیر رژیم صهیونیستی نیز به واسطه وخیم‌تر کردن اوضاع منطقه و مخالفت‌های انجام گرفته جهانی، با شکست روبه‌رو شود، اما آنچه واضح است این که رژیم صهیونیستی از ادامه چنین برنامه‌هایی عقب نخواهد نشست. در واقع رژیم صهیونیستی در پی آن است تا با همراهی آمریکا و با طرح تصمیمات جدیدی از این نوع، در ابتدا به تجزیه و تحلیل واکنش‌های جهانی نسبت به آن بپردازد و در مرحله بعد، پس از اعلام سیاست‌های خود و ارزیابی شرایط، زمینه‌های اجرای آرام این سیاست‌ها را فراهم کرده و با استفاده از عامل زمان، از شدت حساسیت نسبت به آنها در صحنه بین‌الملل بکاهد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت ۴

**احتکار خودروی بدون پلاک!**



مظاهر گودرزی روزنامه‌نگار

ایسن روزها خبرهای جالبی از خودرو به گوش می‌رسد. در کنار قیمت‌های نجومی خودرو، در کنار تلاش‌های وزیر صمت از راه رسیده برای آماده کردن فروش اینترنتی خودروها با قیمت مصوب و منصفانه، خبرهای مبنی بر کشف تعدادی از انبارهای احتکار همین دست از خودروها در خروجی خیرگزارای قرار گرفته است. مثلا خبر کشف ۲۸ خودروی احتکاری در یک پارکینگ در غرب تهران، در موردی دیگر کشف ۷ خودروی احتکاری دیگر در رشت، یا در نمونه مشابه و جالب که روز گذشته خبرگزاری صداوسیما به نقل از رئیس فرماندهی انتظامی استان اصفهان آن را در خروجی سایت خود قرار داد؛ کشف ۲۴ عدد دستگاه خودروی احتکاری است، که آن طور که سرداد محمدرضا میرحیدری گفته همه این خودروها سفار و بدون پلاک بوده‌اند. حقیقت آنکه تا جایی که ما می‌دانیم کسی در این کشور اجازه تولید خودرو ندارد، جز چند کارخانه نوروچشمی مشخص که آنها هم برای فروش خودروهای تولید خودشان یک سری نماینده‌های مشخص در نقاط مختلف کشور دارند که شما برای خرید خودرو در صورت موجود بودن آن؛ چه به صورت مستقیم به آنها مراجعه کنید و چه به صورت غیر مستقیم از طریق فروش‌های اینترنتی (اگر باشد) قصد خرید خودروی را داشته باشید در صورت مسئله چندان رقم نمی‌کند. تمام اطلاعات دقیق خریدار خودرو را می‌خواند. از شماره ملی گرفته تا شماره شناسنامه و آدرس و کد پستی و تلفن خریدار برای اینکه هم سند خودرو به نام خریدار ثبت شود و هم اینکه کارهای مربوط به پلاک و دریافت پلاک برای خودروی فروخته شده انجام شود. چرا که امکان ندارد خودرویی از کارخانه تولیدی آن، بدون داشتن پلاک خارج شود، مگر از طریق کسندهای مربوط به حمل خودرو یا جرقتیل که خودروهای فروخته شده هنوز پلاک نشده اربابان نمایندگی‌های هر استان حمل می‌کنند، اما قراز نیست ماشین بدون پلاک به مشتری که به یک ماشین خریده باشد چه صد ماشین (در صورت امکان) تحویل داده شود. بنابراین اگر تعداد خودروی احتکاری، بدون داشتن پلاک، در یک انبار وسط شهر یا جنوب یا هر کجای شهر کشف شده است باید رفت سراغش را از خودروساز گرفت که به چه علت این تعداد خودروی بدون پلاک(به عبارتی بدون صاحب) در یک انباری که به طور رسمی و مشخص مربوط به تولیدکننده خودرو و نماینده آن نیست، جمع شده و نگه‌داری می‌شود، باید رفت سراغ نماینده‌های فروش خودرو در آن شهر را گرفت و از آنها در باره خودروهای بدون پلاک در پارکینگ‌های متفرقه که مربوط به نماینده و کارخانه خودروساز نیستند پرسید، مگر می‌شود خودرویی از درب کارخانه یا درب نمایندگی خارج شود (که البته گویی می‌شود) و مثلا بخش فروش کارخانه نداند این خودرو با این شماره بدنه و شماره موتور، خریدار دارد یا ندارد؟ مگر می‌شود در اسناد خودروساز و دمودست‌بک فروش آنها این نباشد که یک خودرو به نام چه فرد حقیقی یا حقوقی ثبت شده است؟ یا اینکه اصلا نداند خودرو فروخته شده یا فروخته نشده است؟ مگر می‌شود خودروهایی بدون پلاک در جایی جدا از انبار کارخانه و نمایندگی‌های آن باشد و خود خودروساز‌ها از سرنوشت خودروهای پلاک نشده خودش خبر نداشته باشند؟ اینها پرسش‌هایی هستند که نیاز به پاسخ دارد. منبع پاسخگویی هم مشخص است، گوش‌ها هم برای شنیدن پاسخ‌ها بی‌قرار است، اما گویی وجود ندارد. تا آن زمان ما این وسط مانده‌ایم که دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را؟